

تحلیل تکنیکال: پرایس اکشن، سوئینگ و اسکالپینگ

درک زبان بازارها و رفتار قیمت
(بر اساس آموزه‌های دکتر ال بروکس)

دکتر سعید رنجبر



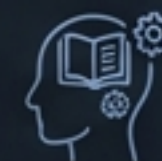
از تدریس تا معامله‌گری

مسیر تکامل دکتر رنجبر از سه دهه تدریس
تدریس زبان انگلیسی تا تبدیل شدن به یکی
از شاگردان برجسته دکتر ال بروکس.
→  عبور از روزمرگی و ورود به دنیای
 چالش‌برانگیز اقتصاد و رفتار قیمت.

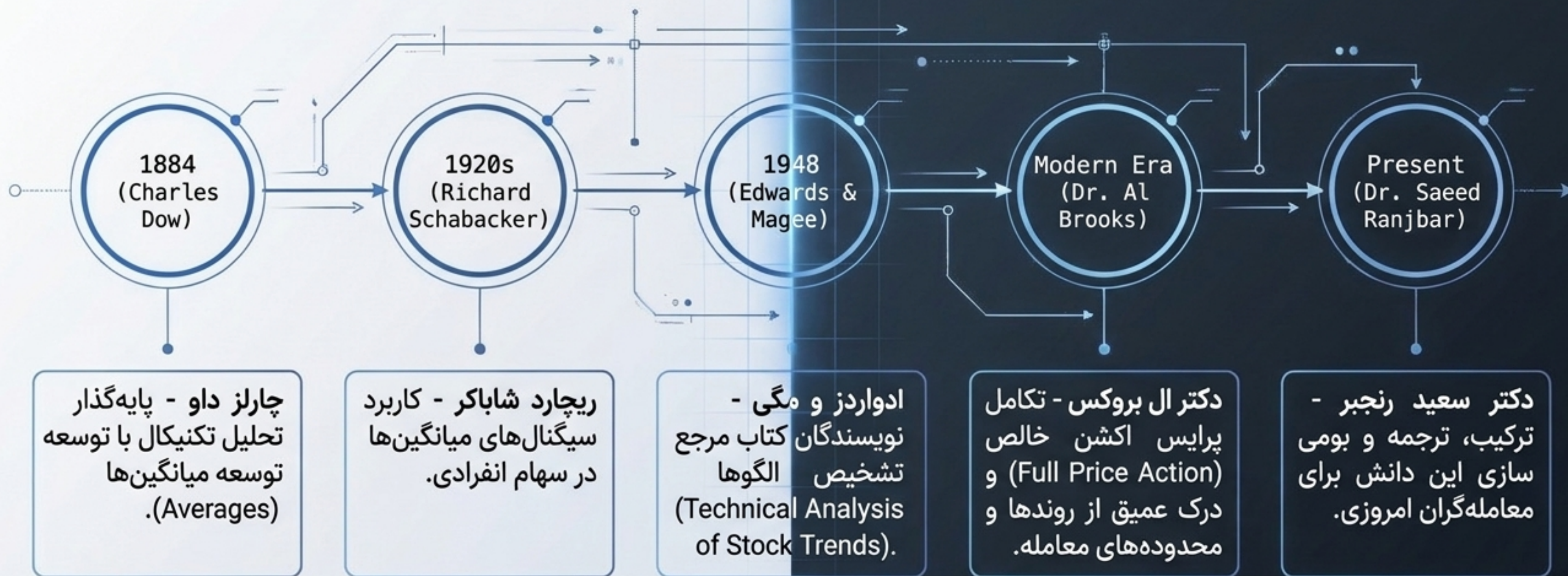
معامله‌گری: یک بازی فکری بی‌پایان

معامله‌گری صرفاً یک فعالیت حرفه‌ای نیست؛
بلکه جستجوی مداوم برای یافتن نظم
نظم پنهان در میان هرج و مرج ظاهری
بازارهاست. فعالیتی که ذهن را بیدار نگه
می‌دارد و هر روز با اشتیاقی تازه همراه است.

بزرگترین لذت زندگی من "خواندن و
اندیشیدن" است - بازتابی عمیق،
ساختاریافته و پیوسته.



شجره نامه تحلیل تکنیکال کلاسیک



الگوهای نموداری: اثر انگشت دی‌ان‌ای انسان

الگوهای نموداری تصویری گرافیکی از رفتار تغییرناپذیر انسان در موقعیت‌های پیچیده هستند. این الگوها تا زمانی که انسان‌ها تکامل نیابند، تغییر نخواهند کرد.

احساسات خالص: تجسم
ترس، طمع، امید و فریب در
قالب قیمت.

زبان بازار: نشان می‌دهد که آیا
یک دارایی در حال مرگ است
یا در حال صعود قدرتمند.

تقابل نیروها: بازتاب نبرد
مرگ و زندگی بین خریداران و
فروشنده‌گان.

غیرقابل پاک شدن: اثر
انگشت طبیعت انسان که در
نوسانات مالی ثبت می‌شود.

چرا پرایس اکشن؟ (تکنیکال در برابر فاندامنتال)

قیمت جاری، تمام اطلاعات فاندامنتال را در خود جای داده است.

[FUNDAMENTAL ANALYSIS]

تمرکز

گزارش‌های مالی، ترازنامه‌ها،
پیش‌بینی‌های اقتصادی.

زمان‌بندی
داده‌ها

بر اساس تاریخچه گذشته و اطلاعات
تاریخ گذشته (استریل).

کاربرد در لحظه

نمی‌تواند احساسات، ترس و طمع
غیرمنطقی بازار را تحلیل کند.

[TECHNICAL ANALYSIS]

رفتار واقعی بازار، تغییرات قیمت و
حجم معاملات.

نگاه به آینده و پیش‌خور کردن تمام
رویدادها و احتمالات آتی.

بدون نیاز به دانستن نام نماد یا نوع
شرکت، قابل معامله است.

توهم اندیکاتورها: چرا معامله‌گران به نمودارها بی‌اعتمادند؟

Shadow of Price



Pure Price Action



سایه قیمت (Shadow of Price): اندیکاتورها چیزی جز بازتاب فرمول‌بندی شده قیمت نیستند. به جای سایه، به خود منبع (قیمت) نگاه کنید.

سراب نجات‌دهنده (The Savior Mirage): مبتدیان از تحلیل مستقیم نمودار می‌ترسند و به اشتباه فکر می‌کنند یک اندیکاتور می‌تواند آن‌ها را به ثروت برساند.

سیگنال‌های دروغین در روندها (False Signals): در یک روند صعودی قدرتمند، اسیلاتورها (مانند RSI) دائماً واگرایی و سیگنال فروش صادر می‌کنند، در حالی که نمودار می‌گوید "فقط بخر".

جزئیات پنهان (Hidden Details): اندیکاتورها نمی‌توانند فشار کندل‌ها، محل بسته شدن آن‌ها، یا رفتار قیمت در نقاط شکست را به شما نشان دهند.

منطقه احتمال: پایان توهم "ستاپ بی نقص"

شما در ۹۵٪ از کندل‌های نمودار، در منطقه احتمالی بین ۴۰٪ تا ۶۰٪ زندگی می‌کنید.



عدم قطعیت مطلق:

در بیشتر مواقع، شما نمی‌توانید بیش از ۶۰٪ مطمئن باشید که ۱۰ تیک بعدی که ۱ تیک بعدی بالا می‌رود یا پایین، و نمی‌توانید کمتر از ۴۰٪ نامطمئن باشید.

افسانه کمال:

جستجو برای ستاپ‌های ۱۰۰٪ بی نقص اتلاف وقت است. بهترین روندها اغلب با سیگنال‌هایی شروع می‌شوند که خوب هستند، اما کامل نیستند.

معادله سودآوری:

اگر ریسک‌پذیری خود را بشناسید و هدفی (Reward) معادل حداقل دو برابر ریسک خود تعیین کنید، حتی با ۴۰٪ احتمال موفقیت نیز از نظر ریاضی سودآور خواهید بود.

دیدگاه "همیشه در بازار" (Always-In Perspective)

در هر لحظه از خود پرسید: آیا بهتر است خریدار باشم، فروشنده، یا بدون پوزیشن؟



1. ارزیابی مداوم: در بیشتر ساعات روز، کاملاً واضح است که آیا لانگ بودن منطقی‌تر است یا شورت بودن.

2. اجبار به تصمیم‌گیری: این دیدگاه شما را وادار می‌کند تا منفعل نباشید. اگر یک شکست قوی به سمت بالا رخ داد و شما ستاپ اولیه را از دست دادید، اکنون وارد شوید.

3. ورود دیر هنگام: اگر دیر وارد می‌شوید و ریسک بالاست، حجم معامله را به ۲۰٪ اندازه معمول کاهش دهید (مثلاً ۱ قرارداد به جای ۵).

4. مدیریت موقعیت: به جای تماشای منفعلانه بازار و امید به یک پولبک، با حجم کم وارد شوید و با حرکت بازار حجم خود را افزایش دهید.

آناتومی یک "تست": چرا بازار به تایید نیاز دارد؟

تلاش‌های دوم و سوم، ستاپ‌هایی با بالاترین احتمال موفقیت هستند.



ترس از بازگشت (Fear of Reversal): وقتی بازار با قدرت می‌ریزد و سپس بالا می‌رود، اکثر خریداران اولیه، فروشندگانی هستند که پوزیشن خود را می‌بندند. بازار باید دوباره افت کند تا ببیند آیا خریداران واقعی وارد می‌شوند یا خیر.

الگوی کف دوقلو (Double Bottom): بازار به پایین بازمی‌گردد تا نقدینگی را بسنجد. اگر فروشندگان تمایلی به فروش در قیمت‌های پایین‌تر نداشته باشند و خریداران دوباره وارد شوند، روند تغییر می‌کند.

الگوی کنج کف (Wedge Bottom): این الگو صرفاً شامل سه تلاش برای شکست به سمت پایین است. اگر خرس‌ها (فروشندگان) سه بار شکست بخورند، گاوها (خریداران) با قدرت تمام وارد می‌شوند.

زنده ماندن در هرج و مرج گشایش بازار

فضیلت صبر: چرا باید منتظر "کندل ۱۸" بمانیم؟

لحظات ابتدایی (گپ‌ها): اگر بازار با گپ باز شود، ۸۰٪ مواقع بازار برای ۱۸ تا ۲۴ کندل (حدود ۲ ساعت در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای) در یک محدوده رنج و نوسانی باقی می‌ماند.

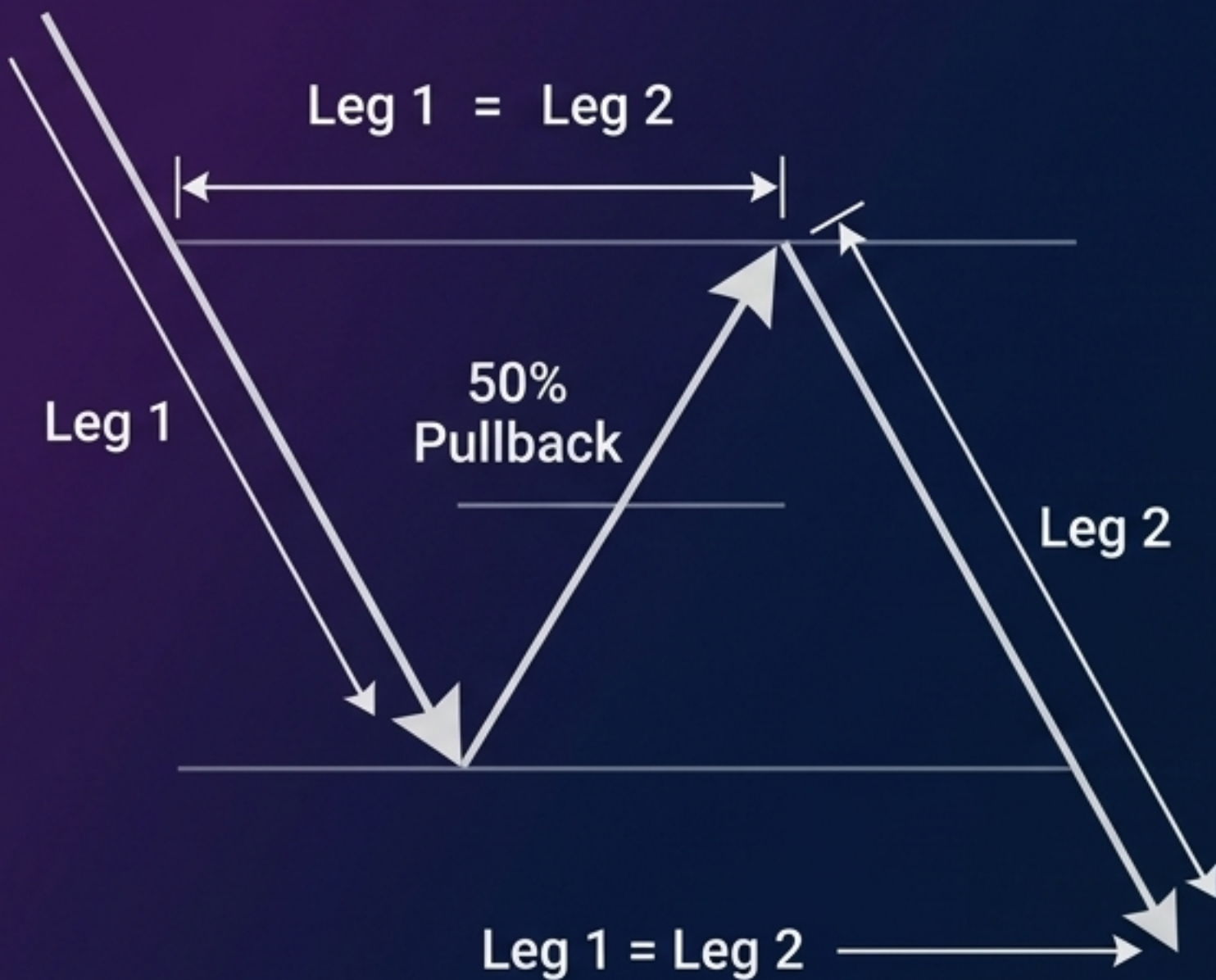
جستجوی سیگنال‌های قوی: اگر قصد خرید در یک نزولی قوی را دارید، به دنبال کندل‌های بازگشتی صعودی قدرتمند باشید که نزدیک به سقف خود بسته می‌شوند. بدون این نشانه‌ها، فقط صبر کنید.



بازگشت به میانگین (EMA): بازار معمولاً به سمت میانگین متحرک نمایی ۲۰ کندلی (EMA) کشیده می‌شود. فروشندگان منتظر یک رالی تا EMA و خریداران منتظر یک کف دوقلو برای ورود هستند.

ریاضیات الگوریتمی و منطق حرکات اندازه‌گیری شده (Measured Moves)

نیازی نیست با کامپیوترها رقابت کنید؛ تنها باید ردپای ریاضی آن‌ها را درک کنید.



- **تسلط ماشین‌ها:** بخش عمده‌ای از معاملات توسط الگوریتم‌هایی انجام می‌شود که به دنبال اهداف ریاضی و حرکات اندازه‌گیری شده هستند.

- **منطق (Leg 1 = Leg 2):** اگر بازار یک لگ نزولی داشته باشد و سپس پولبک بزند، کامپیوترها انتظار دارند لگ دوم نزولی دقیقاً به اندازه لگ اول باشد و در آن نقطه سود خود را برداشت می‌کنند.

- **پولبک ۵۰ درصدی:** یکی از متداول‌ترین نقاطی که کامپیوترها برای ورود به روند اصلی یا بازگشت به نقطه شکست استفاده می‌کنند.

- **مزیت معامله‌گر خرد:** شما نمی‌توانید در سرعت نانو ثانیه با HFT ها رقابت کنید، اما می‌توانید در تایم‌فریم خود این ساختارها را شناسایی کرده و همراه با آن‌ها سود ببرید.

مسیر رسیدن به ثبات و استمرار (Consistency)

روانشناسی معاملات نتیجه تحلیل منطقی است، نه برعکس.

Step 3: افزایش تدریجی حجم
(Scale Size)

تنها پس از رسیدن به ثبات، حجم معاملات (Size) را به آرامی افزایش دهید. افزایش حجم در معاملات بازنده حساب شما را نابود می‌کند، اما در معاملات برنده ثروت می‌آفریند.

Step 2: کسب سودهای کوچک
(Make Small Profits)

به دست آوردن سودهای کوچک و مستمر. یادگیری نحوه مدیریت ساختار معاملات و شناخت رفتار بازار بدون استرس.

Step 1: توقف ضرر دادن
(Stop Losing)

هدف اولیه شما میلیونر شدن نیست. هدف اول زنده ماندن در بازار و جلوگیری از زده در بازار و جلوگیری از دست دادن سرمایه است. حجم معامله را به حداقل ممکن برسانید.

زبان جهانی نمودارها

اگر زمان و قیمت را حذف کنید، طلا، فارکس و سهام کاملاً یکسان به نظر می‌رسند.



رفتار منطقی انسان: این نمودار (طلا - ماهانه) تفاوتی با یک نمودار ۵ دقیقه‌ای سهام ندارد؛ زیرا هر دو بازتاب رفتار منطقی و ثابت انسان‌ها هستند.

الگوهای تکرارشونده: شکست‌های بزرگ، پولبک‌ها، میکرو کانال‌ها و کنج‌ها در هر بازار و هر تایفریمی به یک شکل عمل می‌کنند.

رویکرد یکسان: یادگیری یک رویکرد تحلیلی به شما اجازه می‌دهد در هر بازاری معامله کنید.

۱. رسم خطوط (Draw Lines):
همیشه با رسم خطوط شروع کنید.
به دنبال کانال‌ها، کنج‌ها
(Wedges)، سقف‌ها و کف‌های
دوقلو، و مثلث‌ها باشید.



۲. شناسایی کندل‌های خاص
(Highlight Special Bars):
کندل‌های غیرمعمول، پین‌بارها،
کندل‌های سورپرایز و الگوهای داخلی
/ خارجی را مشخص کنید.



۳. رسم باکس‌های ورود
(Add Entry Boxes):
نقاط اید ورود به معامله خرید (باکس
سبز) و فروش (باکس قرمز) را روی
نمودار ترسیم کنید.

روتین روزانه: کالبدشکافی بازار
چگونه چشمان خود را برای دیدن الگوها تربیت کنیم؟

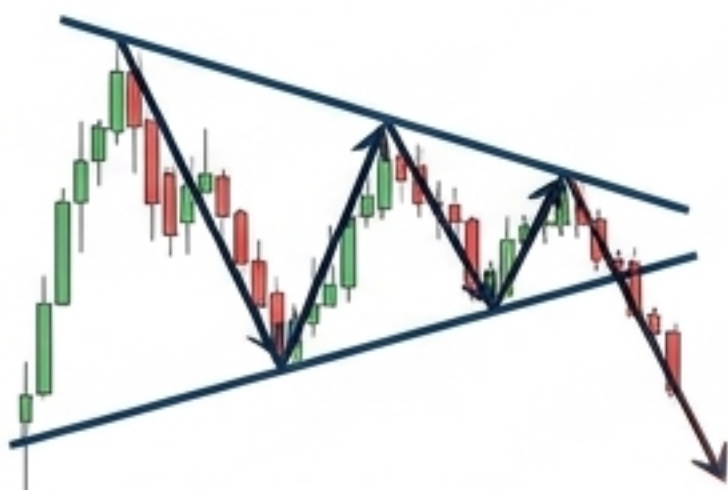
Gold Futures: Monthly Chart



طبقه‌بندی الگوهای ساختاری نمودار

هیچ الگویی ۱۰۰٪ بی نقص نیست، اما هرچه به ایده آل نزدیکتر باشد، احتمال موفقیت بیشتر است.

کنج‌ها (Wedges)



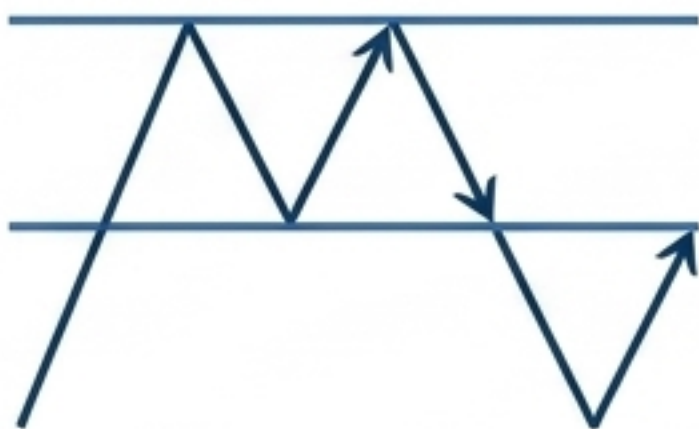
هر کانالی که دارای ۳ برخورد (پوش) یا بیشتر باشد. این یک مثلث زاویه دار است که نشان‌دهنده فرسودگی روند است.

کنج‌های صعودی (Rising Wedges)



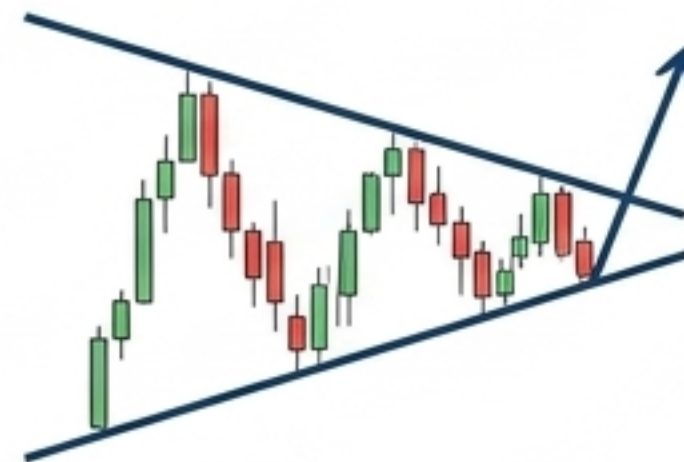
در یک کنج صعودی، تنها خط بالایی برای ما مهم است؛ ما منتظر بازگشت قیمت پس از برخورد سوم با این خط هستیم.

سقف و کف دوقلو (Double Tops/Bottoms)



تلاش مجدد بازار برای عبور از یک سطح حمایت/مقاومت کلیدی که با شکست مواجه می‌شود.

مثلث‌ها (Triangles)



محدوده‌های نوسانی در حال انقباض یا انبساط که نشان‌دهنده تعادل موقت بین خریداران و فروشندگان است.

کندل‌های خاص: ماشه‌های ورود به معامله

الگوهای خرد که به عنوان نقاط شکست یا الگوهای مثلث کوچک عمل می‌کنند.



کندل‌های قدرتمند (Surprise Breakouts)

کندل‌های بزرگ صعودی/نزولی که نزدیک به سقف/کف خود (مانند تصویر). نشان‌دهنده فوریت و عدم تردید در بازار.



الگوی II (Inside-Inside)

دو کندل داخلی متوالی. نشان‌دهنده یک محدوده رنج بسیار فشرده و آماده برای شکست.



الگوی 00 (Outside-Outside)

دو کندل خارجی متوالی. عملکردی شبیه به یک مثلث در حال انبساط (Expanding Triangle) در تایم‌فریم‌های پایین‌تر.



الگوی IOI (Inside-Outside-Inside)

ترکیبی قدرتمند که نشان‌دهنده نبرد شدید بین گاوها و خرس‌هاست و شکست آن سیگنال ورود قوی است.

ساختاردهی معامله: باکس‌های ورود

سیگنال به‌تنهایی کافی نیست؛ بستر و محل ورود تعیین‌کننده است.

باکس‌های ورود (Entry Boxes): استفاده از اردرهای Stop برای ورود. باکس‌های قرمز برای فروش در زیر کندل‌های سیگنال نزولی، و باکس‌های سبز برای خرید.

بهترین سیگنال‌ها (Blue Outlines): دور قوی‌ترین ستاپ‌ها کادر آبی بکشید (مانند تصویر). این‌ها ستاپ‌هایی هستند که احتمال موفقیت بالایی دارند (مثلاً فروش زیر یک کندل نزولی قوی که نزدیک به کف خود بسته شده است).

ترکیب با بستر بازار (Context): یک پین‌بار در وسط یک روند خنثی بی‌ارزش است، اما همان کندل در محل تلاقی خط کانال و میانگین متحرک (EMA)، یک ماشه طلایی است.

کندل‌های قدرتمند
(Surprise Breakouts)

چرخه اصلی بازار (The Master Market Cycle)

بازار در یک چرخه بی پایان تنفس می کند. دانستن اینکه در کجای چرخه هستید، استراتژی شما را تعیین می کند.

شکست / اسپایک (Breakout/Spike):

مرحله ابتدایی و قدرتمند روند.
حرکت سریع، یک طرفه و پر از
گپ. در این مرحله فقط در
جهت شکست معامله کنید.



کانال (Channel): روند
ضعیفتر می شود و
پولبک ها آغاز می شوند.
بازار هنوز جهت دار است،
اما دوطرفه شدن معاملات
آغاز شده است.

محدوده رنج (Trading Range):
کانال پهن تر و مسطح تر می شود.
خریداران و فروشندگان به تعادل می رسند.
در این فاز، در کفها بخرید، در سقفها
بفروشید، و به دنبال اسکالپ باشید.

Flags and Pennants



Weekly SPY Chart: Nested Cycles in Reality
(اسپایکها، کانالها و محدودههای)
محدودههای رنج تو در تو در دنیای واقعی)

چرخه‌های تودرتو (Nested Cycles)

ماهیت فراکتال بازارها: هر الگو، الگوهای کوچکتری را در دل خود جای داده است.

الگو درون الگو: در داخل هر فاز از روند، عناصر کوچکتری وجود دارند. یک کانال صعودی بزرگ در تایم فریم روزانه، ممکن است شامل چندین اسپایک و کانال در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای باشد.

عدم تضاد تایم فریم‌ها: نیازی نیست تایم فریم‌ها را با هم مقایسه کنید تا سردرگم شوید. هر کندل و هر موج در تایم فریم خودش قابلیت معامله دارد.

اهمیت ساختار ریز (Micro Structure): یک اسپایک نزولی شدید می‌تواند صرفاً یک پولبک پولبک درون یک کانال صعودی بزرگتر باشد. بستر بزرگتر همیشه اهمیت بیشتری دارد.

60-minute E-mini chart showing nested spike and channel trends

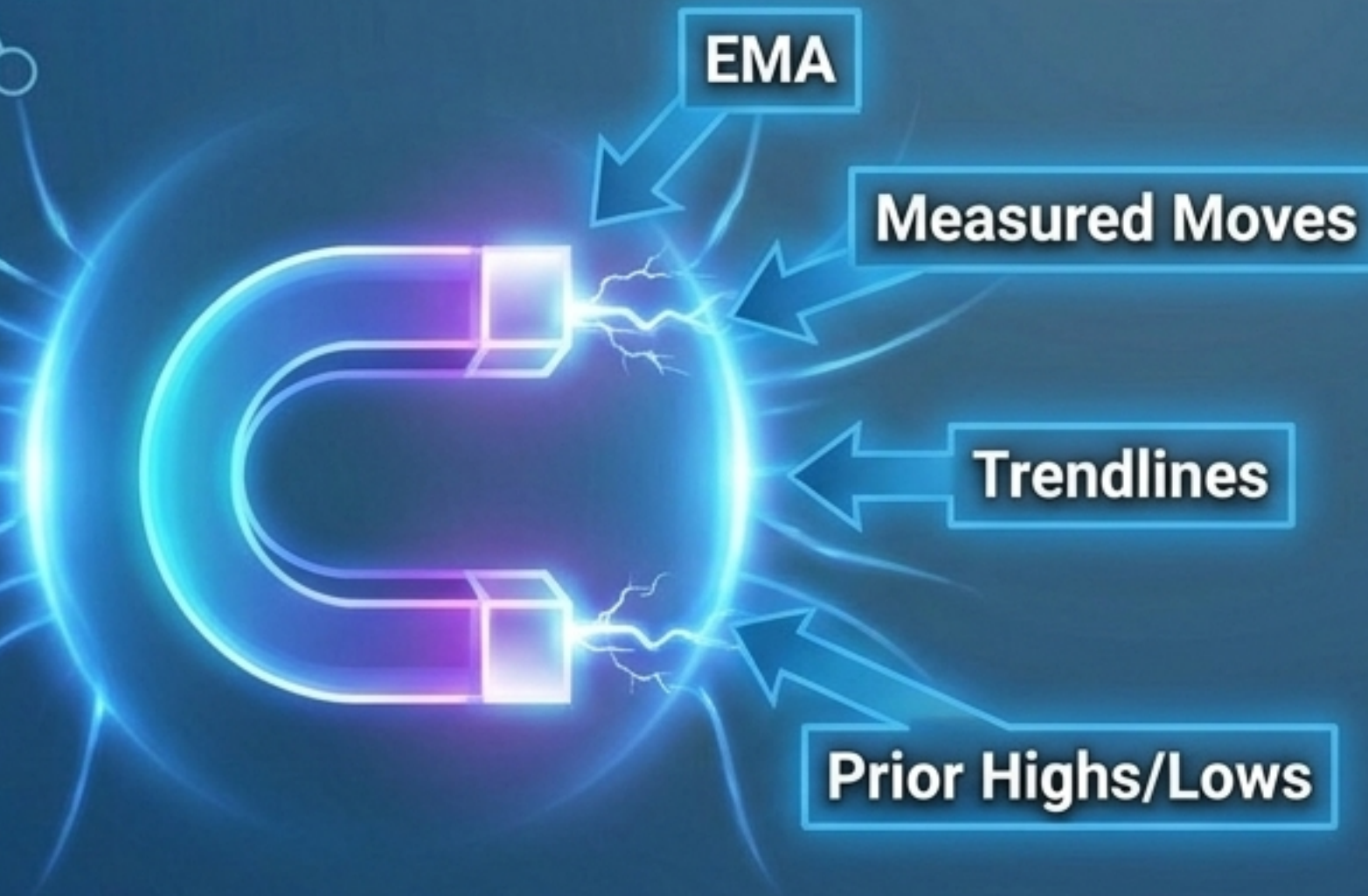


BrooksTradingCourse.com

BrooksPriceAction.com

حقیقت درباره حمایت و مقاومت (آهنرباهای بازار)

حمایت و مقاومت به ندرت یک روند قوی را متوقف می‌کنند، اما تمام بازگشت‌ها دقیقاً در این نواحی رخ می‌دهند.



رفتار در روند قوی: در یک اسپایک صعودی قوی، بازار تمام مقاومت‌ها را می‌شکند. معامله‌گران باهوش در هر پولبک کوچکی خرید می‌کنند و می‌کنند و انتظار دارند مقاومت‌ها با شکست مواجه شوند.

5 minute SPY Candlestick chart



نواحی تصمیم‌گیری: ما خطوط را رسم می‌کنیم تا ببینیم وقتی قیمت به آنجا رسید چه واکنشی نشان می‌دهد؛ آیا می‌شکند یا برمی‌گردد؟

سنتز پایانی: معماری یک معامله‌گر کامل

موفقیت در معامله‌گری نتیجه یک فرمول جادویی نیست؛ حاصل درک بستر بازار، انضباط در اجرا و پذیرش احتمالات است.

بستر بازار (Context)
همیشه پیرسید در کجای چرخه بازار هستیم؟ اسپایک، کانال، یا رنج؟ آیا به حمایت/مقاومت نزدیکیم؟



اجرا (Execution)
ورود بر اساس سیگنال‌های واضح، الگوهای تایید شده (تست‌های دوم/سوم)، و استفاده از باکس‌های ورود با حد ضرر منطقی.

ذهنیت (Mindset)
پذیرش منطقه احتمال ۴۰-۶۰٪. توقف ضررهای بزرگ، قناعت به سودهای مستمر، و تسلط بر نفس خود در برابر داده‌ها.

"معامله‌گری پرایس اکشن نواختن ویولن است؛ نت‌ها ثابت‌اند، اما تسلط بر آن نیازمند تمرین، سکوت و تفکر عمیق است."

- برگرفته از آموزه‌های ال بروکس و دکتر رنجبر